

نگاه نخست ..

شش هفته با هنر ایران افتتاح شد

●● از چهار راه پارلمان که به خیابان کوئین سرازیر میشود، حضور پر تعداد مردم در جلوی گالری کوئین و نور ممتد فلش دوربین شما را به آنجا دعوت می کند. نرسیده به در ورودی گالری، «مارسل جرو» با آن کلاه جگوارایی و ریش قرمز از میهمانان در جلوی پوستر فستیوال عکس یادگاری می گیرد. فضای گالری پر از صدای شادی و خنده است و چهره هایی آشنا به چشم می خورند. حضور آقای «جان رابرسون» رئیس موزه وارلی، دکتر رضا مریدی «نماینده پارلمان اونتاریو»، «حسن زرهی» سردبیر هفته نامه شهر وند، «شهاب رضویان» کارگردان سینما و دوستان دیگر، نشان از اهمیت چنین فستیوالی دارد. در کنار آثار بسیار دیدنی و ارزشمند از چند نسل هنرمندان ایران در بخش هنرهای تجسمی، پذیرایی از میهمانان نیز همانند دوره گذشته خوب است. استقبال کم نظیر از فستیوال «شش هفته با هنر ایران» حاصل همکاری نزدیک هنرمندان خوب تورونتو، اصحاب رسانه و نتیجه رضایت میهمانان از دوره قبل است.



عکس: سامان اقوامی



عکس: مارسل جرو

المانهای پیدا و ناپیدا دعوت می کند. اکثر بینندگان دوست دارند تا عکسی جلوی این مجموعه به یادگار بگیرند و اگر پویان را هم پیدا کنند، عکاس هم در قاب عکس خودش گیر می افتد.

از سالن ۲ به یک که حرکت می کنید، انگار به سفری درون تونل زمان دعوت می شوید. از کارهای محسن وزیری مقدم، پدر هنر مدرن ایرانی تا مهرداد معراجی که کمی بیش از بیست سال سن دارد، نگاه نسلهای مختلف هنرمندان ایرانی چشم نواز و پر هیجان است. از گالری که بیرون بزی، سوال های زیادی در ذهن مطرح میشود که برای جواب به آنها دوباره باید به داخل برگردی. دوباره باید تک تک کارها را ببینی و دوباره طرح سوال های جدیدتر و این سفر همچنان ادامه پیدا می کند.

کارهای اخیرش توضیح می دهد. روبروی کارهای معراجی، پوسترها و تصویرسازی های علی کامران قرار دارد. ۴ پوستر از آن کارهای بیاد ماندنی که هر بیننده را برای لحظه ای خیره می کند. اما بیشتر کنجکاو میهمانان روی تصویر سازی هایش است که برای اولین بار به نمایش گذاشته شده است. در ۲ طرف کارهای کامران، مهرداد معراجی، جوان ترین هنرمند این نمایشگاه، مجموعه ای از کارهای جدیدش را بر روی دیوار گذاشته است. کارهایش نسبت به دوره قبل از لحاظ سایز، کاملاً کوچک تر شده اند و از آن فیگورهای کاملاً انسانی و فضای هایپر رئالیسم تبدیل به المان هایی از بادکنک، تیغ، دوده و چوب بستنی شده اند. یک جهش بزرگ از یک قله به قله ای دیگر. وارد گالری که میشوی ناخود آگاه دیواری شطرنجی تو را به سمت خودش می کشد. نزدیکتر که میروی دیوار با عکس هایی به شکل مربع و فرمت مدیوم پوشیده شده است. کارهای پویان طباطبایی زمان را در تصویر کشدار کرده است و شما را به کشف

●● حضور عکسهای حمید جبلی در کنار پوسترهای قباد شیوا و مجسمه های محسن وزیری مقدم فضای گرم گالری را گرمتر کرده و بینندگان برای مدت طولانی در سالن شماره ۲ به واکاوی نشانه های موجود در کارها مشغول می کند. انسانهای پیچیده شده در نورهای عجیب، خصوصاً سری عکس های طلسم ها و نشانه ها برای بینندگان حرفه ای جذابیت خاصی دارد. کارهای قباد شیوا در دو مرحله هیجان ایجاد می کند، بار اول کیفیت اجرایی و ایده آثار که چه قدر محکم و پرنرزی خلق شده اند و بار دوم وقتی که متوجه میشوی که آثار متعلق به سالهای ۱۹۶۹ است. مجسمه های محسن وزیری محل کنکاش بیننده با خود درونش است. باز کردن، بستن و تغییر شکل دادن هر کدام از مجسمه های تو را هر بیننده را ساعت ها در همانجا نگاه دارد.

در سالن شماره یک نقاشی محمود معراجی که نتیجه همنشینی رنگ روغن بروی کاغذ در اندازه های بزرگ است، کل دیوار را پوشانده. همه کنجکاو هستند که کارها چگونه تولید شده اند و معراجی تمام شب با آرامش برای علاقه مندان یک به یک درباره

پایان ..

حمید جبلی



●● دوره کارهای با آگراندیسمان، برابیم کشف تصویر بود و اکثر کارها بدون دخالت دوربین بوجود می آمدند. دوره کارهای رئال از سال ۱۳۶۳ و بواسطه آشنایی با محمود کلاری...
صفحه ۶

پایان ..

محمود معراجی



●● اولین نمایشگاه انفرادی کارهایش در گالری گلستان برپا شد. در نمایشگاه های مختلفی در تهران کارهایش به نمایش در آمد. برنده جایزه اول نمایشگاه...
صفحه ۴

پایان ..

محسن وزیری



●● نقاشی های شنی و مجسمه های غول پیکر چوبی متحرک از آن دسته کارهایی است که از سال ۱۹۶۲ در موزه هنرهای مدرن نیویورک شناخته شده است...
صفحه ۵

سه هفته با هنر ایرانی

نمایشی برای جهانیان



پویان طباطبایی

تابستان سال ۱۳۸۶ یکی از گالری های شهر تورونتو از من دعوت کرده بود تا مدیر هنری تابستانه گالری باشم. خوب برای مدیر بودن باید برنامه هایی هم داشت. مدتی بود که در فکر برگزاری یک سری نمایشگاه هنرهای تجسمی به صورت زنجیروار بودم تا تمرکزی روی کارهای امروزه هنرمندان ایرانی - کانادایی داشته باشد و خلاصه خودمان ببینیم که کجای کار را گرفته ایم.

شاید این بهترین موقعیت بود برای به انجام رساندن چنین کاری. شبی با دوستان گرمابه و گلستان گبی زدیم، تبادل نظری کرده و به کلیتی رسیدیم. ۴ روز بعد طرح کلی نمایشگاه ها روی میز مدیر گالری بود و جالب آنکه ترسیده به منزل، پروژه قبول شده بود. کارها به سرعت شروع شد و با توجه به زمان کوتاهی که داشتیم، قرار شد تا ۸ هنرمند در این شش هفته کارهایشان روی دیوار قرار بگیرد. ۲ سال قبل تر از این اتفاق، چند دیداری با محسن وزیری از پیشگامان هنر مدرن ایران داشتم. روزهای پاییز در تهران بود محسن وزیری هم با آن کج خلقی همیشگیش، پیشنهاد من برای نمایشگاهی در تورونتو را شوخی بیش ندید و گفت "من از این پیشنهاد روزی ۱۰ تامی گیرم اما کسی که مرد عمل باشد را هنوز ندیده ام".

از تورونتو با محسن خان در ایتالیا تماس گرفتم و گفتم من مرد حرف هایم هستم، اگر شما هم مرد حرفهایتان هستید، وقت نمایش است. پیوستن محسن وزیری به نمایشگاه، قوت قلبی به من داد که به همینجا بسنده نکنم و تماس های مکرر و پیگیری های متعدد، تعداد هنرمندان شرکت کننده را از ۸ به ۲۲ و از هنرهای تجسمی به موسیقی، فیلم و تئاتر هم کشاند و نمایشگاه شش هفته با هنر ایران به فستیوال تبدیل شد.

شب افتتاحیه، حضور هنرمندان بنام کانادایی و سیاست مداران کانادا در کنار کارهای مستحکم و برنامه های مراسم افتتاحیه، تلویزیونهای کانادا را ترغیب کرد تا نه تنها روزانه چند دقیقه ای به فستیوال ما بپردازند، بلکه از هنرمندان دعوت شد تا در برنامه های زنده تلویزیونی شرکت کنند. به همت و کمک تمام هنرمندان و دوستان فستیوال شش هفته با هنر ایران تبدیل به اتفاق پر صدایی در جامعه کانادایی شد. امسال بعد از پشت سر گذاشتن مشکلات متعددی که در چند سال گذشته صد راه ما شده بود، دوباره دوستان هنرمند دور هم جمع شدند تا یکبار دیگر تجربه دوره اول فستیوال را تکرار کنند. حجم برنامه ها و تعداد هنرمندان شرکت کننده به طور چشم گیری افزایش یافته به گونه ای که امسال بیش از ۱۵۰ هنرمند در این رویداد حضور خواهند داشت. در بخش مسابقه هنرهای تجسمی بیش از ۲۸۰ درخواست شرکت و بالغ بر ۱۱۵۰ اثر به دفتر فستیوال رسیده است. هدف از این فستیوال، معرفی و رساندن صدای هنر معاصر ایران به جامعه بزرگ و چند ملیتی کانادا است. به شخصه معتقدم که همین حضور ملل مختلف در کانادا اهمیت نمایش آثار را دوچندان می کند، زیرا شما نمایشی برای جهانی ترتیب می دهید نه برای یک کشور. در دهکده کوچک جهانی امروز ما، برای صدایی رسا بودن، نیاز به نگاهی جهانی است. هنرمندان موفق امروز آنها هستند که در کارشان، فاصله ها را به بهترین نحو می شکنند و تصویری بدون محدودیت برای بیننده ترسیم می کنند.

نسیم شرق
EASTERN BREEZE

بولتن داخلی فستیوال شش هفته با هنر ایران
سال ۱۳۹۱ - تورنتو - کانادا

سر دبیر: پویان طباطبایی
گروه تحریر: پویان طباطبایی، هلیا قاضی میر سعید مانا کیانی، مازنین عباسی، سعید شهسوار، بیمن معنفسی
گروه طراحی و گرافیک: علی کامران، حسام الدین محبوب
گروه عکاسی: مارسل جرو، سامان اقلوایی
تلفن: ۴۱۶۷۳۱۷۷۹۷
www.sixweeks.ca



September 21, 2012

GREETINGS FROM REZA MORIDI, M.P.P. RICHMOND HILL

I would like to extend my warmest wishes to everyone attending the second annual Six Weeks of Iranian Art Festival at the Queen's Gallery in Toronto.

Six Weeks of Iranian Art Festival does not only allow the Canadian-Iranian community promote their artistic and cultural diversity, it also provides an opportunity to showcase their talents. This event is also a wonderful way for the Canadian-Iranian community to bring their contributions to our province while maintaining their heritage and cultural values.

My sincere thanks to the Curator of Six Weeks of Iranian Art Festival, Poyan Tabatabaei, the organizers and the volunteers who have worked tirelessly to make this event a success.

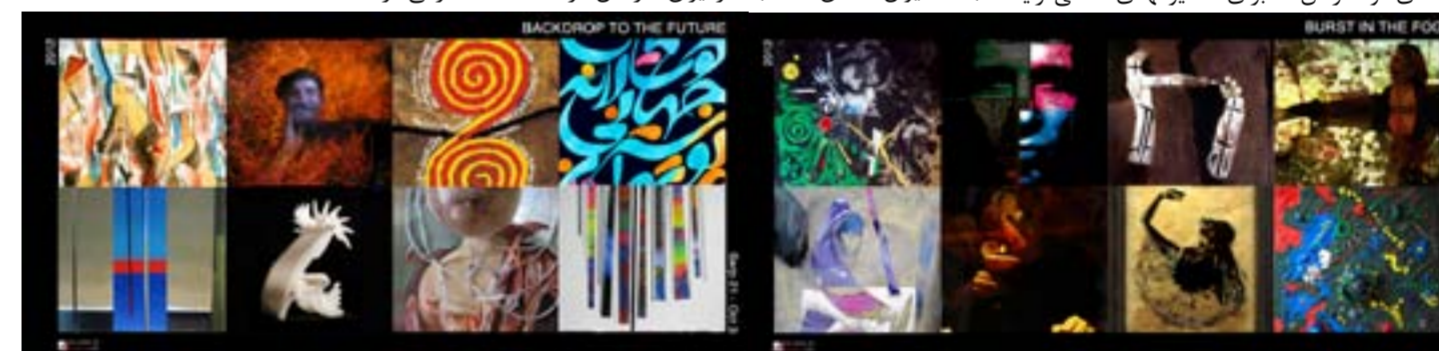
Yours sincerely,
Reza Moridi
M.P.P. Richmond Hill

پیام دکتر رضامریدی برای فستیوال «شش هفته با هنر ایران»

فارغ از چارچوب سیاسی و مرزهای کشوری، حمایت دولتمردان، همواره برای رشد و ادامه حیات تمام اتفاقات فرهنگی - هنری مانند فستیوال ها و جشنواره ها مفید بوده است. خصوصاً در کشور های مهاجر پذیر، حمایت مالی و کلامی از یک قوم، آن هم توسط بدنه دولت، به رشد و ادغام هر چه سریعتر آن در جامعه مادر کمک می کند. در کشور کانادا، سالانه رقم قابل توجهی برای گسترش و حمایت از هنر و هنرمند در بودجه کشوری و استانی در نظر گرفته می شود. برای دریافت چنین کمک هایی از دولت باید مدارکی ارائه شود که نشان از توانایی انجام پروژه پیشنهادی توسط گروه و یا هنرمند را دارا باشد. پیام های دولتمردان که برای فستیوالهای خاصی ارائه

می شود، به معنای آن است که آنها نسبت به برگزاری و برپایی چنین مراسمی نگاهی مثبت داشته و همچنین به تیم برگزار کننده اعتماد دارند که کارها به درستی انجام می پذیرد. فستیوال "شش هفته با هنر ایران" بسیار مفتخر است که در دوره اول برگزاری پیام های مثبتی از دولتمردان کانادا مانند: آقای استفان هارپر - نخست وزیر کانادا-، آقای دیوید میلر - شهردار وقت تورونتو - و ... دریافت کرده است.

دکتر رضا مریدی شخصاً در مراسم افتتاحیه فستیوال شرکت کردند و در آنجا دقایقی نیز برای میهمانان در باره اهمیت هنر در زندگی و کمک های دولت در این زمینه سخنرانی کردند.



تقویم فستیوال

کارگاه آموزشی:	سینما:	نمایشگاه تجسمی:
۱. کارگاه نقاشی اکتبر ۲ به مدت ۳ روز	۱. اکتبر ۱۱ سانس نمایش: ۵ - ۷ - ۹ عصر	۱. آینه در پس زمینه ۲۱ سپتامبر لغایت ۳ اکتبر ۲۰۱۲
۲. کارگاه عکاسی اکتبر ۹ به مدت ۳ روز	۲. اکتبر ۱۸ سانس نمایش: ۵ - ۷ - ۹ عصر	۲. شکفتن در مه ۲۱ سپتامبر لغایت ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲
۳. کارگاه تئاتر اکتبر ۱۵ به مدت ۳ روز	۳. اکتبر ۲۵ سانس نمایش: ۵ - ۷ - ۹ عصر	۳. قطار موز ۵ اکتبر لغایت ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲
۴. کارگاه نوشتن خلاق اکتبر ۲۱ به مدت ۳ روز	مکان نمایش فیلم ها: سینمای کارلتون	۴. پرواز رنگها ۱۹ اکتبر لغایت ۳۱ اکتبر ۲۰۱۲
۱. کارگاه فیلم نامه نویسی اکتبر ۲۹ به مدت ۴ روز	تلفن: ۴۱۶۷۳۱۷۷۹۷	

شش هفته با هنر ایران

SIX WEEKS OF Iranian art

کارگاه های آموزشی Workshops opportunities

در دومین دوره فستیوال «شش هفته با هنر ایران» ۶ کارگاه تخصصی به مدت ۴ روز برای علاقه مندان در رشته های مختلف برگزار می گردد. به علت ظرفیت محدود کارگاه ها، اولویت با افرادی است که تا تاریخ ۱۰ سپتامبر ثبت نام کنند

- Graphic design workshop**
Instructor: Ali Kamran
Date: 25th to 27th of September
- Painting workshop**
Instructor: Mahmoud Meraji
2d to 4th of October
- Photography workshop**
Instructor: Pooyan Tabatabaei
9 to 11th of October
- Theatre workshop**
Instructor: Levon haftvan
15th to 18th of October
- Creative Writing workshop**
Instructor: Siavash Shabanpor
24th to 26th of October
- Scriptwriting workshop**
Instructor: Mostafa Azizi
29th of October to 1st of November

- کارگاه آموزشی طراحی گرافیک**
مدرس: علی کامران
زمان: ۲۵ تا ۲۷ سپتامبر
- کارگاه آموزشی طراحی و نقاشی**
مدرس: محمود معراجی
زمان: ۲ تا ۴ اکتبر
- کارگاه آموزشی عکاسی**
مدرس: پویان طباطبایی
زمان: ۹ تا ۱۱ اکتبر
- کارگاه آموزشی تئاتر**
مدرس: لئون هفتوان
زمان: ۱۵ تا ۱۸ اکتبر
- کارگاه آموزشی نگارش خلاق**
مدرس: سیاوش شهابانپور
زمان: ۲۴ تا ۲۶ اکتبر
- کارگاه آموزشی فیلم نامه نویسی**
مدرس: مصطفی عزیزی
زمان: ۲۹ اکتبر لغایت ۱ نوامبر

For more information please visit www.sixweeks.ca
416- 731-7797 | 416- 361-6045 | info@sixweeks.ca

شکفتن در ماه

سپتامبر ۲۱ - اکتبر ۱۷



در این نمایشگاه ۵ بنیانگذار «شش هفته با هنر ایران» تازه ترین آثار خود را تحت عنوان گروه «از آن فوجان» به نمایش می گذارند

آینده در پس زمینه

سپتامبر ۲۱ - اکتبر ۳



در این بخش آثار گروهی از پیشکسوتانی هنرهای تجسمی از جمله: محسن وزیری مقدم از پیشگامان هنرمدرن، قباد شیوا از دویت گرافیست برجسته بین المللی، حمید جبلی از پیشگامان عکاسی تناثر و ادلمان آیوزیان به نمایش درمی آید

محمود معراجی



●● محمود معراجی ، در ۱۸ فوریه ۱۹۵۸ در تهران متولد شد . سال ۱۹۷۴ شروع فعالیت های وی در زمینه نقاشی و طراحی بود . اولین نمایشگاه انفرادی کارهایش در گالری گلستان برپا شد . در نمایشگاه های مختلفی در تهران کارهایش به نمایش در آمد. برنده جایزه اول نمایشگاه گل و گیاه شد ، دوباره کارهایش به موزه هنرهای معاصر رفت و پس از چند اتفاق ناگوار که موجب از بین رفتن تعدادی از نقاشی هایش شد ، چمدانش را بست و به همراه همسر و فرزندش راهی کانادا شد.



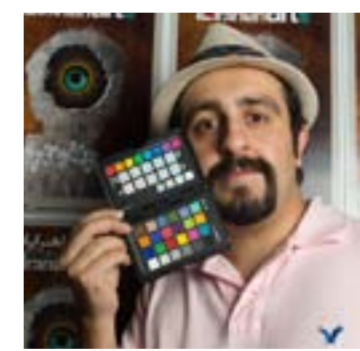
سال ۱۹۹۷ شروع دوباره ای برای معراجی در کشوری جدید بود از آن تاریخ تا کنون ، نمایشگاه های زیادی میزبان کارهای مختلف او بوده اند . جوایز متعدد در بخشهای مختلف نقاشی ، نشان از توان بالا و ذهن خلاق او دارد . همچنین در سالهای اخیر شاگردان زیادی از آکادمی نقاشی معراجی به دانشگاه های هنر کانادا راه یافته اند . در این دوره از فستیوال شش هفته با هنر ایران کارهای متفاوتی از محمود معراجی به نمایش در آمده است .



علی کلمران

●● علی کلمران متولد ۲۰ ژانویه ۱۹۷۴ در تهران است . از دوران کودکی بازی با کلمات تایپ شده خصوصا نوشته های انگلیسی بخش اصلی وقت فراغتش را بر میگرد . با حضور در دانشگاه با مقوله گرافیک آشنا شد . بازی های کودکانه تبدیل به پوستر های جذاب و زیبایی شد که بیش از یک دهه است در سینما و تاتر و حوزه موسیقی حرفه ای زیادی برای گفتن دارند . جوایز متعدد بین المللی ، نشانگر نگاه ویژه کلمران به همنشینی تصویر و کلمات دارد . مهاجرت به کانادا در سال ۲۰۰۶ و ادامه تحصیل در شاخه های مختلف طراحی گرافیک ، دریچه های جدیدی را برای دوباره دیدن به روی او گشود و کارهایش حال و هوای جدیدی بخود گرفت . در این دوره از فستیوال شش هفته با هنر ایران ، علی کلمران بخشی از پوستر های ۳ سال اخیر و تصویر سازی هایش را برای علاقمندان به رشته گرافیک به نمایش گذشته است .

پویان طباطبایی



●● پویان طباطبایی متولد ۷ جولای ۱۹۷۹ در تهران است . در دوران دبیرستان برای روزنامه های تهران ، یادداشت های پراکنده ای در مقوله سیاست مینوشت . در سال ۲۰۰۰ که درسش در دانشگاه به پایان رسید تهران را به مقصد تورنتو ترک کرد و نزدیک به ۱۱ سال است که ساکن کشور کانادا است . آشنایش با دنیا عکاسی به سالهای ۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ می رسد و سال ۱۹۹۷ نقطه عطفی در زندگی وی به حساب می آید . هنگامی که اولین تجربه های حرفه ای عکاسیش مورد توجه نشریات خبری خارجی قرار می گیرند . خودش بهترین دوست آن سالها را دوربین کائن ۴۱ مشکی رنگش می داند . از آن تاریخ تا کنون ، پویان طباطبایی اتفاقات باورنکردنی و منحصر بفرد زندگی مردم را از فرهنگ های مختلف ، مذاهب ، باورها و نظامهای ارزشی بوسیله دوربینهایش به ثبت رسانده است . در انعکاس تصویر واقعی از شرایط انسانها ، کارهای او تلاش می کنند تا انعکاس دهنده جوهر درونی افراد بتصویر کشیده شده باشند ، تا آنجا که عکاس امیدوار است که تماشای چنین اثری ، لحظه تاثیر گذاری در زندگی بیننده بوجود آورد ، همانگونه که لحظه ای فراموش ناشدنی در زندگی عکاس بوده است . پویان طباطبایی تا کنون کاندید دریافت جوایز بین المللی متعددی بوده و برنده جوایز ارزشمندی چون جایزه بورسه بنیاد مگنوم در سال ۲۰۱۲ بوده است . وی در ۲ سال گذشته انقلاب عربی در کشورهای مصر و لیبی را به تصویر کشیده است .



مهرداد معراجی

●● مهرداد معراجی متولد ۹ جولای سال ۱۹۸۶ است . ده سال بیشتر نداشت که به همراه خانواده ساکن کشور کانادا شد . بلافاصله پس از پایان تحصیلات دوره متوسطه ، وارد دانشگاه هنر شده و هنوز در سال اول دانشگاه بود که کارهایش کاملا یاد دیگران تفاوت داشت . قلم های بزرگ بر بوم نقاشی و کار های پر هیجان در سایز های بسیار بزرگ خبر از شکوفایی استعدادی درخشان میداد . در همان سالهای اول بود که اساتید کلاس هایش از مهرداد کار می خریدند و این بدان معنا بود که مهرداد در راه درستی گام بر می دارد . پر تره های چند متری از چهره هایی که برایش جالب بود دیوار های خانه و استدیو کوچکش در دانشگاه را پر کرده بود . تکنیک های مختلف از طراحی های غول آسا با زغال تا چهره های چند متری با رنگ روغن آنچنان درست و پر هیجان اجرا شده بود که منتقدین کانادا بی او را "چاک کلوژ" جوان خواندند . در چهار سال گذشته تغییرات زیادی در فرم و سایز کارهای جدید مهرداد صورت گرفته است که در نمایشگاه امسال ، همه را سورپرایز کرد . دنیای جدیدی که خود مهرداد آن را قدمی به جلو میداند .

حمید جبلی



●● حمید جبلی متولد سال ۱۹۵۸ در شهر تهران است . بیش از چهار دهه است که عکاسی می کند ، مجسمه میسازد ، نقاشی می کشد و دوباره عکاسی می کند ، هر چند سال یکبار هم یک کار سینمایی انجام می دهد . این روزها خیلی بیشتر عکاس است تا سینماگر . دوباره عکاسی مصاحبه ای نکرده است ، نمایشگاهی نگذاشته تا شاید سوء برداشتی نشود و علی رغم میلش عکس های ۴ دهه در کمدا تاقش تلبار شده اند . دغدغه اش شناختن دوباره تصویر است . می خواهد بداند آیا همه یک تصویر واحد از یک شی می بینند و یا آنکه رنگها در نگاه همه یکسان است ؟ پرندگان چگونه به دنیای اطراف نگاه می کنند و علاقه جیبیی به پیدا کردن نگاه ماهی ها به اطرافش دارد تا آنجا که در سری

محسن وزیری مقدم



●● محسن وزیری متولد روز ۲۶ می ۱۹۲۴ در شهر تهران است . خودش اعتقاد دارد که بدنیا آمده تا هنرمند باشد . او را به عنوان پدر هنر مدرن ایران با یکی از پیشگامان هنر مدرن ایران نیز می شناسند . نقاشی های شنی و مجسمه های غول پیکر چوبی متحرک از آن دسته کار هایی است که از سال ۱۹۶۲ در موزه هنرهای مدرن نیویورک شناخته شده است . حتی اگر اهل نقاشی نباشی و رفاقتی هم با بوم نداشته باشی ، نمی توانی

ادمان آیوزیان

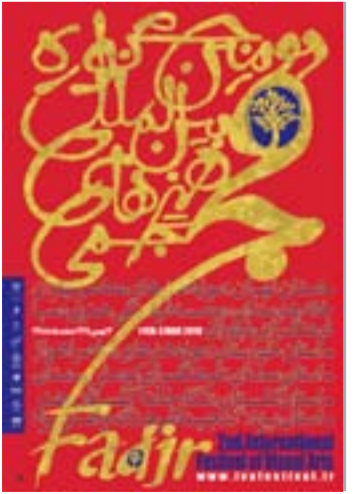
●● ادمان آیوزیان در سال ۱۹۳۲ از یک خانواده ایرانی ارمنی در تهران چشم به جهان گشود . او از ۱۳ سالگی نقاشی را شروع کرده و در همان سالهای اول برنده جایزه جهانی هنر جوان شد . هنوز ۲۴ سالگی را نگذرانده بود که برنده جایزه اول ، هنرهای مدرن در ایران شد . درسش را در شهر لندن ادامه داد و بیش از ۴۰ سال است که در کشور انگلستان زندگی می کند . نقاشی های ادمان که دوستانش او را ادیک صدامی کنند در بیش از ۳۰ نمایشگاه در کشورهای مختلف دنیا شرکت داشته و جوایز بسیار معتبری را از آن خود کرده است . او در رشته معماری تحصیل کرده و طراحی داخلی مسجد فرودگاه ریاض ، نقاشی دیواری سالن انتظار فرودگاه جده ، نقاشی دیواری برای موزه ملی عربستان ، طراحی موزائیک برای مسجد جامع عمان و ... را در کارنامه کاری خود دارد .

قباد شیوا



●● قباد شیوا دانش آموخته رشته نقاشی است و در ۱۳۴۵ فارغ التحصیل شد . پس از سال ها تجربه عملی در زمینه گرافیک فوق لیسانس خود را از دانشگاه Pratt شهر نیویورک در سال ۱۳۵۹ اخذ کرد . در طی چندین دهه فعالیت هنری با خلق آثار بدیع توانست به نوعی گرافیک با ویژگی ایرانی دست یابد و آن را به دنیا معرفی کند ، به دلیل همین ویژگی برخی از آثارش در موزه های مختلف جهان و مجموعه ادیان بین المللی جای گرفته است . از فعالیت های جنبی او تاسیس بخش گرافیک در صدا و سیما ایران در سال ۱۳۴۷ و راه اندازی بخش گرافیک انتشارات سروش در سال ۱۳۵۰ است . او از موسسین انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران ، پایه گذار و برنامه ریز نخستین دوسالانه پوستر تهران است . از دیگر فعالیت های او آموزش هنر گرافیک در دانشکده های معتبر تهران از سال ۱۳۵۵ تا به حال است ، او

طول سال ها تحصیل و کار حرفه ای آثار خود را در زمینه نقاشی ، عکاسی و به ویژه گرافیک در نمایشگاه های داخلی و بین المللی از جمله انگلستان ، فرانسه و آمریکا به تماشا گذاشته است . آثار او بارها در نشریات جهانی انتخاب و چاپ شده اند . انجمن بین المللی طراحان گرافیک (AGI) او را به عنوان یکی از ۱۲ طراح گرافیک برتر جهان معرفی کرده و در حال حاضر در موسسه شخصی خود در امر مدیریت ، مشاوره هنری و همچنین طراحی گرافیک در زمینه های مختلف ، طراحی محیطی و نمایشگاهی فعالیت دارد . منتخبی از پوسترهای او در قطع رحلی در سال ۱۳۸۳ و منتخبی از آثار او در قطع جیبی در سال ۱۳۸۴ را موسسه پژوهشی فرهنگی چاپ و نشر نظر به چاپ رسانده است و این مطلب نیز برگرفته از همین کتاب هاست .





کشف دوباره تصویر

عکس‌های فیلمبرداری از نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

●● یویان طباطبایی: "سکوت و گوشه‌گیری افراد به معنای نداشتن حرف تازه‌ای نیست، بلکه شاید آنها هنوز به چیزهایی اعتقاد داشته باشند." شاید بار سوم بود و یا شاید بار نهمی دانم چندم بود که داشتم نوشته کوتاه حبیب رضایی را دوباره می‌خواندم و ناخودآگاه یاد خیلی‌ها می‌افتادم، یاد دوستانی که سال‌هاست آرام و در خلوت خود کار می‌کنند. آنها که به دنبال تیترها و حرف‌های جنجالی نیستند. آنها که همه جا دیده نمی‌شوند. یاد حمید جبلی افتادم که در سکوت و آرامش و بدون نمایشگاه‌های چند صد میلیونی، بیش از ۴ دهه است که عکاسی می‌کند. نه عکاسی تفریحی و درخت و کلاغ و پنجره و ادای نمایشگاه‌های دهه ۶۰ میلادی را درآور دن. سال‌هاست که دوست دارد تا عکس‌هایش دیده شوند، نقد شوند، اما از ترس اینکه میاداسوه برداشت شود که شاید می‌خواهد از شهرت بازیگریش استفاده کند عکس‌هایش در سکوت و آرامش خانه در قفسه کم‌دی جا خوش کرده‌اند. از صحنه تئاتر تا استودیو کوچک عکاسی، حمید جبلی سفر طولانی را از رئالیسم به سوررئالیسم در عکاسی طی کرده است. حال‌ادر دهه چهارم انعکاس ذهن پیچده اش از طریق در پیچه دوربین، جبلی شیوه و روش مخصوص خودش را پیدا کرده است تا بتواند پلی میان عکاسی امروزش با بازیهای پهن‌برای درخشانش در محله پریمیو زده باشد. در واقع او راهی را پیدا کرده تا احساسات درونیش را با بازیهای پیروپیر و تیز گره بزند و وحدت و یکپارچگی نگاهش به جهان پیرامون را ثابت نگه دارد و تبدیل به یک روح سوررئال شود.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

- هنر از چه دوره‌ای در زندگی شما پررنگ شد؟**
 - همه چیز از کانون شروع شد، یعنی کانون پرورش‌ی کودکان و نوجوانان. سالهایی که امکانات برای بچه‌های کوچک واقعا کم بود. کانون شروع کرد به برگزاری کلاسهای آموزشی و تبدیل شد به مکانی برای کودکان تا با هنر آشنایی پیدا کنند. افرادی مثل قباد شیوا، پرویز کلانتری، استفندیار منفرد زاده و… از همان سالهای اول به عنوان مربی حضور داشتند. من سال ۵۰ وارد کانون شدم و ان موقع ۱۲ یا ۱۳ سالم بود و با کلاس تئاتر شروع کردم. کم‌کم با اضافه شدن کلاسهای سینما و عکاسی تقریبا تمام عصرهای ما در کانون می‌گذشت. فاصله مدرسه من با دفتر کانون دور بود و کلاسها اغلب نیم ساعت بعد از تعطیلی مدارس شروع می‌شد. من هر روز این فاصله را می‌دویدم تااز کلاسی عقب‌نمانم.
 - ایرج طهماسب ، علی طالبی ، حسن دوست، غلیقلی، همایون اسعدیان ، بهروز افخمی ،فاطمه معتمد آریا و خیلی‌های دیگر از دوستان، همه بچه‌های کانون پرورش‌ی بودند. با رسیدن به ۱۸ سالگی باید از کانون بیرون می‌رفتم. که خوشبختانه باقرار دادهایی که بسته شد، ما به عنوان مربی به شهرستانها فرستاده شدیم تا کلاس‌های آموزشی کانون را برگزار کنیم. من به عنوان مدرس عکاسی به فیروزکوه و الالشت فرستاده شدم.
- کجا با فستیوال شش هفته‌با هنر ایران آشنا شدید؟**
 - چندی پیش برنامه‌ها و آثار شرکت داده شده در فستیوال دوره قبل را دیده بودم و با توجه به دعوتی که صورت گرفت و آشنایی که از فستیوال داشتم پذیرفتم که در این دوره شرکت کنم. به شخصه دوست ندارم که در ایران به عنوان بازیگری می‌شناسند تصور بر این است که می‌خواهم از شهرت بازیگری ام سوء استفاده کنم. در ۳۰ سال گذشته فقط عکسهایم را به دوستان نزدیک نشان داده‌ام اما دوست دارم که عکسها دیده شوند، نظرات را بشنوم و نقاط قوت و ضعف را پیدا کنم. خصوصا نظر افرادی که از فرهنگ‌های دیگری هستند با او داشتم، عکاسی را صنعت عکاسی را صنعت عکاسی می‌دانست و من اصرار داشتم که هنر است، ولی او عکاس را صنعتگر هنر یا آرتیزان می‌دانست. یعنی کسی که تکنیک را می‌داند و محتوا در خدمت تکنیک است، حال محتوا هر چه باشد.
- سال ۱۹۹۳ نمایشگاهی در پاریس داشتم که هم‌زمان بود با نمایشگاه یک عکاس ژاپنی. کارش این بود که سنگ‌های کنار دریا را به دقت عکاسی کرده بود. تبلیغات بسیاری برای او شده بود. در ملاقاتی که با او داشتم، عکاسی را صنعت عکاسی می‌دانست و من اصرار داشتم که هنر است، ولی او عکاس را صنعتگر هنر یا آرتیزان می‌دانست. یعنی کسی که تکنیک را می‌داند و محتوا در خدمت تکنیک است، حال محتوا هر چه باشد.**

دیگران می‌کند، سهولت القای فرم و فضا به تماشاجی ست، بدون آنکه خواسته باشد موضوع خود را تحمیل کند. فضاها و فرم‌ها به سرعت جای خود را در ذهن تماشاگر باز می‌کنند و اگر چه بازندگی روزمره نامانوس هستند اما، انکار در ضمیر نا خودآگاه انسان جای خود را دارند. ذهنیت حمید جبلی، او را یک هنرمند سوررئالیست کرده است. هنرمندی که مانوس و نامانوس را چنان هنرمندانه کنار هم قرار می‌دهد، که دنیای خاص خود را می‌سازد. دنیایی پر از ابهام و سوال، دنیایی از شگفتی‌های درون انسان، دنیایی از وهم و خیال و دنیایی که در اوج ناباوری قابل باور است.

حمید جبلی رنگ را خوب می‌شناسد چه در عکاسی، چه در نقاشی. سلیقهٔ خاصی در چیدمان موتیف‌هایش دارد، چیدمانی که خاص اوست. در چیدمان کارهایش بزرگی بعضی از اشیا از یک بند انگشت تجاوز نمی‌کند ولی در عکس‌هایش آنها را احجام غول‌پیکری می‌بینیم، رنگ‌ها به کمک پرسپکتیو می‌آیند که فضا را دورتر نشان می‌دهند و این نشان از آگاهی او از پرسپکتیو نور و رنگ است.

حمید جبلی گر چه در اوج تواضع و ادب که شاخصه

شنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

۸ مهر ۱۳۹۱



نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمی‌دانیم که آیا دیگران هم دقیقا همان تصویری را می‌بینند که ما می‌بینیم و آیا تصویر یک‌شی‌برای همه یکسان است؟ آیا رنگها را مانند هم تجربه می‌کنیم. اگر فقط کمی وسیع‌تر نگاه کنیم باید پرسیم آیا تصویری که حشرات و یا بزبان از یک شی می‌بینند با ما یکی است؟ کدام تصویر درست‌تر است؟ به نظر من شگفت‌انگیزی هنر در همین کشف دوباره است.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

●● چه سالی عکاسی را به صورت جدی شروع کردید؟

- سال ۱۳۵۲ بود که اولین بار دوربین بدست برای گرفتن عکس از خانه خارج شدم و تا چند محله راه رفتم تا بتوانم عکسی بگیرم. اولین بار در روزنامه "کایر" نشریه انجمن بازنشستگان کشوری عکسی از من به چاپ رسید. از آن تاریخ تا امروز بجز بخش عکاسی خلاقه، عکاس تئاترهای زیادی بودم . فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلوزیونی را هم عکاسی کردم.

●● کجا با فستیوال شش هفته‌با هنر ایران آشنا شدید؟

- چندی پیش برنامه‌ها و آثار شرکت داده شده در فستیوال دوره قبل را دیده بودم و با توجه به دعوتی که صورت گرفت و آشنایی که از فستیوال داشتم پذیرفتم که در این دوره شرکت کنم. به شخصه دوست ندارم که در ایران به عنوان بازیگری می‌شناسند تصور بر این است که می‌خواهم از شهرت بازیگری ام سوء استفاده کنم. در ۳۰ سال گذشته فقط عکسهایم را به دوستان نزدیک نشان داده‌ام اما دوست دارم که عکسها دیده شوند، نظرات را بشنوم و نقاط قوت و ضعف را پیدا کنم. خصوصا نظر افرادی که از فرهنگ‌های دیگری هستند با او داشتم، عکاسی را صنعت عکاسی را صنعت عکاسی می‌دانست و من اصرار داشتم که هنر است، ولی او عکاس را صنعتگر هنر یا آرتیزان می‌دانست. یعنی کسی که تکنیک را می‌داند و محتوا در خدمت تکنیک است، حال محتوا هر چه باشد.

دیگران می‌کند، سهولت القای فرم و فضا به تماشاجی ست، بدون آنکه خواسته باشد موضوع خود را تحمیل کند. فضاها و فرم‌ها به سرعت جای خود را در ذهن تماشاگر باز می‌کنند و اگر چه بازندگی روزمره نامانوس هستند اما، انکار در ضمیر نا خودآگاه انسان جای خود را دارند. ذهنیت حمید جبلی، او را یک هنرمند سوررئالیست کرده است. هنرمندی که مانوس و نامانوس را چنان هنرمندانه کنار هم قرار می‌دهد، که دنیای خاص خود را می‌سازد. دنیایی پر از ابهام و سوال، دنیایی از شگفتی‌های درون انسان، دنیایی از وهم و خیال و دنیایی که در اوج ناباوری قابل باور است.

حمید جبلی رنگ را خوب می‌شناسد چه در عکاسی، چه در نقاشی. سلیقهٔ خاصی در چیدمان موتیف‌هایش دارد، چیدمانی که خاص اوست. در چیدمان کارهایش بزرگی بعضی از اشیا از یک بند انگشت تجاوز نمی‌کند ولی در عکس‌هایش آنها را احجام غول‌پیکری می‌بینیم، رنگ‌ها به کمک پرسپکتیو می‌آیند که فضا را دورتر نشان می‌دهند و این نشان از آگاهی او از پرسپکتیو نور و رنگ است.

حمید جبلی گر چه در اوج تواضع و ادب که شاخصه

شنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

۸ مهر ۱۳۹۱



نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمی‌دانیم که آیا دیگران هم دقیقا همان تصویری را می‌بینند که ما می‌بینیم و آیا تصویر یک‌شی‌برای همه یکسان است؟ آیا رنگها را مانند هم تجربه می‌کنیم. اگر فقط کمی وسیع‌تر نگاه کنیم باید پرسیم آیا تصویری که حشرات و یا بزبان از یک شی می‌بینند با ما یکی است؟ کدام تصویر درست‌تر است؟ به نظر من شگفت‌انگیزی هنر در همین کشف دوباره است.

●● دوره شما عکاسی را کتانر گذاشتید، چه اتفاقی افتاد؟

- سال ۱۳۸۰ اولین وقفه در عکاسی کردن اتفاق افتاد. سفری داشتم به پاریس. به همراه دوست خوبم خسرو پیغمبی به لابراتوار بیکتو رفتم و سری به آرشیو عکسهای آنجا زدم. دیدن کارهای بسیار قوی و جذاب عکاسان بنام دنیا و در ادامه بازدید از نمایشگاه‌های عکاسی ان دوره در پاریس فکرم را بشدت مشغول کرد. برای ۲ سال عکاسی را کنار گذاشتم. فکر کردم که افرادی در جهان هستند که هنر عکاسی را تمام کرده‌اند و جایی برای کار جدیدی نمانده و ما چه حرف تازه‌ای داریم که بزنیم؟

- دوره دوم ۵ سال پیش بود، یعنی در سفری که به همراه گروهی از عکاسان جوان برای عکاسی به شهرستانی رفتم. همه آنها دوربین دیجیتال داشتند و من با تکاتیو عکاسی می‌کردم. تا من ۳۰ فریم عکس بگیرم که نیاز به تعویض لنز و نورسنجی داشته، هر کدام از این دوستان ۴۰۰ فریم عکس گرفته بودند. بعد کارها را دیدیم و من دیدم که حتما در ۴۰۰ فریم می‌شود تعداد عکس

- به هر حال این ارتباطی که شما در رابطه دوره اول و دوره چهارم می‌بینید، همان نگاه فانتزی را نوع متفاوتی از نگاه کردن به واقعیت تصویر است که همیشه در من بوده. کارهای با اگرائدیسمان ، دفرمه کردن یا اعوجاجات ، کار با نور در واقع برای من کشف دوباره تصویر یک شی است. ما واقعا

شنبه ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

۸ مهر ۱۳۹۱



نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

●● چه شد که عاقبت تصمیم گرفتید که از عکاسی آنالوگ به دیجیتال کوچ کنید؟

- یادمان نرود که تغییر همیشه سخت است. خصوصا اگر شما به حرفه‌ای آشنا باشید و حالا باید دوباره آنرا از نو یاد بگیرید. در دوره آنالوگ، خود پرورسه عکاسی بسیار مهم بود. کسی که می‌توانست عکس بگیرد و چاپ کند جایگاه خیلی مهمی داشت. پس از دوره دیجیتال ، هر کسی حتی با موبیلاش می‌تواند عکس بگیرد. امروز دیگر عکس گرفتن مهم نیست بلکه چه عکسی گرفتن مهم است.

- اگر به تاریخ رجوع کنیم ، می‌بینیم که فردی که دوربین داشته و بلد بوده که عکس سالم بگیرد ، چه جایگاه مهمی در دربار پادشاهان داشته است و نفر دومی که بلد بوده عکس بگیرد خود پادشاه بوده است. واقعیت این است که ما نمی‌توانیم علم را متوقف کنیم. امروزه دوربین یک وسیله است. در واقع در دوره آنالوگ کار با ابزار خیلی مهم بود در صورتی که در دوره دیجیتال ابزار ارزش خودش را از دست داده و نگاه موجود در محصول نهایی مهم‌شده‌است.

- بزرگ‌دیم به فستیوال "شش هفته با هنر ایران"، در این فستیوال عکسهای شما در بخش بیشکسوتان هنر هنر ایران، شرکت دارد و در کنار آثار جوانان ایرانی حاضر در بخش‌های دیگر قرار می‌گیرد. چه احساسی دارید؟
 - خیلی خوشحالم که چنین اتفاقی می‌افتد. یادمان نرود که عکاسی و کلاه‌هنر با زمان تغییر می‌کند. وقتی که از جوانها دور بشویم، در واقع در زمان دوره خودمان جامی مانیم. من کلاسهای مجسمه‌سازی که می‌روم، استاد می‌تواند جای پسر من باشد، و من لذت می‌برم که از او تکنیکهای جدید یاد می‌گیرم. بالاتر از تکنیک ، احساس پشر هم متغیر است. ساده‌ترین نمونه اینکه احساس انسان در دهه‌های مختلف زندگی به طبیعت اطرافش تغییر می‌کند. پس شاید کارهای جوانهای شرکت‌کننده در فستیوال برای من جالب باشد و کارهای من هم برای گروهی از آنها جالب باشد.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

امسال شما در تیم داوری فستیوال شش هفته با هنر ایران" هم

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

بهرتری انتخاب کرد تا در ۳۰ فریم. من دیدم که با دنیای دیجیتال نمی‌توانم رابطه برقرار کنم. به عکاسی آنالوگ هم تعصب داشتم که البته هنوز هم گروهی از دوستان این تعصب را دارند. یک روز، تمام وسائل عکاسی را جمع کردم و گذاشتم در کمد و این‌شد که دوباره یک دوره‌افراق پیش آمد.

●● حضور دارید که داوران کانادایی هم در کنار شما قرار دارند. فکر می‌کنید چه فرقی با داوری‌های دیگری که انجام دادید داشته باشد؟

- فشنگی کار در اینجاست که گروهی با افکار و پیش‌زمینه‌های مختلف فرهنگی – هنری کنار هم قرار می‌گیرند و آشنایی با این سلاقی برابم جذاب است. حضور داوران با نگاه‌های گوناگون و از کشورهای مختلف نشان می‌دهد که فستیوال بدنبال نتیجه‌گیری گسترده‌تری است و می‌خواهد نگاهی جامع‌تر داشته‌باشد.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.



نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

حضور دارید که داوران کانادایی هم در کنار شما قرار دارند. فکر می‌کنید چه فرقی با داوری‌های دیگری که انجام دادید داشته باشد؟

- فشنگی کار در اینجاست که گروهی با افکار و پیش‌زمینه‌های مختلف فرهنگی – هنری کنار هم قرار می‌گیرند و آشنایی با این سلاقی برابم جذاب است. حضور داوران با نگاه‌های گوناگون و از کشورهای مختلف نشان می‌دهد که فستیوال بدنبال نتیجه‌گیری گسترده‌تری است و می‌خواهد نگاهی جامع‌تر داشته‌باشد.

●● اهمیت چنین فستیوال‌هایی که در خارج از ایران و خصوصا روی هنر معاصر و مدرن ایران کار می‌کنند در چیست؟

- به نظر می‌رسد که هرچا فرصتی ایجاد شود تا نگاه‌هنری معاصر ایران و هنرمندان امروزیمان را در دنیا به نمایش بگذاریم ، اتفاق خوبی است و با این کار می‌توانیم تصویر ایران امروز را واقعی‌تر به دنیا نمایش بدهیم. در سفرهای خارجی همیشه دیده‌ام که سینما ، موسیقی و آثار هنری ایرانی، مردم را به تعجب واداشته و ما را به هم نزدیک‌تر کرده است. در واقع ان تصویربودی‌از ما از بین می‌رود.
- کارهای کلاسیک ما تاحدی شناخته شده است و نمایش آثار کلاسیک مانند کارهای کمال الملک در جهان غرب کار ویژه‌ای نیست چون آنها چند صد سال قبل از کمال الملک، ان کارها را بهتر انجام داده‌اند. هنر معاصر چون با فضای امروز و نگاه امروز هماهنگی بیشتری دارد و فراتر از بحث زیبایی‌شناسی ، یک کانسپتی هم دارد می‌تواند خیلی مثبت باشد. نشان دادن اینکه ما بطور مثال نقاش پست مدرن هم داریم ، با سینمای اوگانگارد هم داریم ، جایگاه ما را در نگاه آمریکای شمالی مطمئن‌تأیید می‌دهد.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

●● با توجه به اینکه پرسشی مطرح کردید که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های هنر چه می‌شوند، پس به نظر شما نقش مستعد؟ معرفی هنرمند و جریان‌سازی‌های هنری چیست؟

- واقعیت این است که منتقد هنری در دنیای امروز آنچنان اهمیت ویژه‌ای دارد که می‌تواند روند و سیر حرکتی یک هنرمند را تغییر بدهد. چه کار فردی باشد مانند نقاشی ، عکاسی و یا یک محصول جمعی مانند سینما. این نقش وقتی مهم می‌شود که هنرمند بپذیرد. منتقد، نگاه هنرمند تری نسبت به هنر دارد. آنگاه هنرمند به واسطه نظریات انتقال داده شده توسط منتقد و با توجه به احساسات درونی خودش، مسیر تازه‌را کشف می‌کند.

- متأسفانه در اینجا بجز تعداد محدودی منتقد خوب، گروه زیادی صرف‌فابرای اینکه در فضایی هنری آمد و شد داشته باشند و بتوانند با چهره‌های هنری از نزدیک دیدار کنند ، وارد این عرصه شده‌اند، بدون داشتن ابزار و دانش کافی از مقوله هنر هنری.

- دومین اشکال ما این است که دچار مسائل شخصی هستیم. بواسطه آداب شرقی، احترام زیاد از حد و رودربایستی ، نحوه ارتباطمان را محدود کرده‌ایم. قرار است که منتقد راهنما باشد ، تحلیل‌کند اما دوستی‌های شخصی سدی می‌شود تا منتقد نظرات واقعی و مشکلات کار را به شما انتقال ندهد در حالی که منتقد باید فارغ از ملاحظات شخصی ، راحت و بی‌پرده نظر بدهد.

در پیچه

عکس‌های حمید جبلی «هنر» است

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

با حمید جبلی سال‌هاست که در سینما کار می‌کنم، حالا او از صمیمی‌ترین دوستان من است. در بسیاری از فیلم‌های سینمایی که بازی داشت، بعنوان عکاس صحنه حضور داشتم. همکاری با او لذت‌بخش بوده و هست. اولین فیلم سینمایی که فیلمبرداری

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

کردم یک مرد، یک خرس بود که حمید جبلی بازیگر اصلی پرشمنت و خطرناک برای گروه و مخصوصا برای جبلی که از ابتدا تا انتهای فیلم مجبور شد با یک خرس همبازی شود. او با مهارت و زیرکی و مهربانی با خرس خطرناک طرح دوستی ریخت و بدون کوچک‌ترین آسیبی همی گروه و خودش را نجات داد و فیلم بی‌ حادثه به پایان رسید.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

در تمام این سال‌ها حمید جبلی یک دوربین عکاسی همراه داشت و در کنار حرفه‌اش، الی، عکس‌های دلخواهش را به آرامی و بدون سروصدا می‌گرفت. الی عکس‌هایی خارج از زوایای دوربین فیلمبرداری و عکس‌های جبلی در عین سادگی، ظرافت و روح‌دانشینی داشته و دارد، مانند بازیگری‌اش که جایگاهی خاص دارد که فعلا خارج از کشور فیلم‌داری‌شود. من عکاس آن فیلم بودم که بدلیل گرفتاری نمی‌توانستم با گروه همسفر شوم. از حمید جبلی خواهش کردم به جای من از صحنه‌ها عکاسی کند. جبلی عکس‌هایی گرفت زیرا و بدون نقص. من آن عکس‌ها را از عکس‌های خودم بیشتر دوست دارم.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

او از صحنه‌های تاتر هم عکاسی کرده که بعضی از آنها در کتاب‌ها و نمایشگاه‌ها به نمایش گذاشته‌شده.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

حمید جبلی در سال‌های اخیر از عکاسی باصطلاح سنتی فاصله گرفته و بدلیل داشتن ذهن خلاق سینمایی و ظرافت‌هایش با برنامه‌ریزی و طراحی دقیق، عکسهایی گرفته با قاب‌بندی‌های هنرمندانه، عکس‌هایی با سناریو و کارگردانی حمید جبلی، که نشان از شکار لحظه‌های خاص دارد. مجموعه‌های «طبیعت بی‌جان» – «انسان‌ها در طبیعت بی‌جان» با چیدمان‌های ظریف و شگفت‌انگیز، دیدنی است. حمید جبلی هنر پیشه معروفی است، چهره‌اش برای همه آشناست. بهمین دلیل کمتر می‌تواند در متن جامعه مثل بقیه عکاسان، از آدم‌ها و موضوعات اجتماعی عکس بگیرد در نتیجه تصاویر جبلی از واقعیت‌هایی که به آنها عادت داریم فاصله دارد. جبلی با مفاهیم تازه از واقعیت‌ها با سلیقه و نگاه خاص خودش که بنظر من خیلی سینمایی است تصاویر و عکس‌های جذابی نشان ما می‌دهد که هیچوقت پیچیده نیستند و ساده‌اند. حمید جبلی همواره بدنبال زیبایی و «شیرینی بیان» است. او برای رسیدن به این هدف از عوامل مختلف استفاده می‌کند. نوسندگی، بازیگری، فیلمسازی، مجسمه‌سازی و البته عکاسی.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

متأسفانه در اینجا بجز تعداد محدودی منتقد خوب، گروه زیادی صرف‌فابرای اینکه در فضایی هنری آمد و شد داشته باشند و بتوانند با چهره‌های هنری از نزدیک دیدار کنند ، وارد این عرصه شده‌اند، بدون داشتن ابزار و دانش کافی از مقوله هنر هنری.

- دومین اشکال ما این است که دچار مسائل شخصی هستیم. بواسطه آداب شرقی، احترام زیاد از حد و رودربایستی ، نحوه ارتباطمان را محدود کرده‌ایم. قرار است که منتقد راهنما باشد ، تحلیل‌کند اما دوستی‌های شخصی سدی می‌شود تا منتقد نظرات واقعی و مشکلات کار را به شما انتقال ندهد در حالی که منتقد باید فارغ از ملاحظات شخصی ، راحت و بی‌پرده نظر بدهد.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

نمایشگاه عکاسی در تهران، ۱۳۹۱. در تصویر، عکاسان در حال عکاسی از آثار هنرمندان هستند.

گزارش تصویری

●● عکسهای این گزارش شامل بخش ورودی افتتاحیه فستیوال "نش هفته با هنر ایران" است که قبل از ورود مهمانان در جلوی بوستر فستیوال عکس های یادگاری می اندازند. عکسهای این بخش توسط مارسل جرو تهیه شده است.

عکسهای داخل گالری که مربوط به افتتاحیه دو نمایشگاه هنرهای تجسمی است که به طور همزمان برگزار شده است. "شکفتن در مه" و "آینده در پس زمینه". عکسهای این بخش توسط سامان اقوامی تهیه شده است.

عکسها متعلق به روز ۲۱ سپتامبر سال ۲۰۱۲ میباشد. محل فستیوال، گالری کوئین واقع در مرکز شهر تورنتو است.



علی کامران، گرافیسیت به همراه دوستان و خانم آهن خواه مدیر گالری کوئین



از راست به چپ، رامین لیاچی (کارگردان)، محمود معراجی (نقاش) حسن زهی (سر دبیر نشریه شهروند) دکتر رضا پردیدی (نماینده مجلس اوتار یو).



پویان طباطبایی، دبیر فستیوال در حال مصاحبه با کانال تلوزیون کانادا



پویان طباطبایی در باره برنامه های فستیوال توضیحاتی میدهد.



محمود معراجی (نقاش)



مجسمه های محسن وزیری، عکسهای حمید جبلی و بوستر قباد شیوا



مهرداد معراجی (نقاش)، علی کامران (گرافیسیت)، محمود معراجی (نقاش)، مارسل جرو (عکاس)



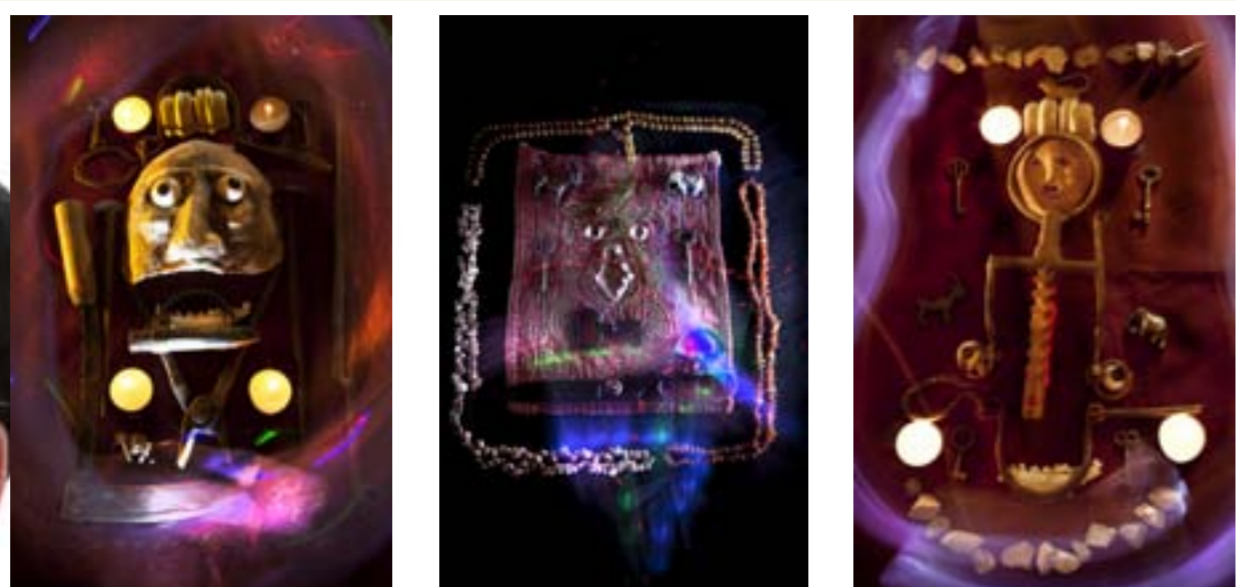
دبیر فستیوال به همراه ریاست گالری کوئین



انری از مهرداد معراجی که یادوده و وسایل ساده به زیبایی ساخته شده است



علی کامران و پنهان صدیقی (کارگردان)



Rediscovery of Image

Pooyan Tabatabai

Translated by: Nazanin Abbasi

"Silence and isolation of individuals doesn't mean that they have nothing new to say, but they may still believe in some things". Might it be that it was the third time or I don't know how many times was it that I was reading a short writing of Habib Rezaei and unconsciously I was reminded of many, many friends that are still working in their own solitude. They are not after titles and shocking words, those that you don't see everywhere. I remembered Hamid Jebeli who has been taking photos in peace and quietness without multimillion dollar galleries for over four decades. Not the fun photography and trees, crows, windows or imitating 1960's galleries. It has been years that he likes his photos to be seen, criticized upon but from the fear of misstatements that he wants to take advantage of his acting fames he hides his pictures in his closet.

From the theatre stage to small photography studio Hamid Jebeli has travelled a long journey from realism to surrealism in photography. Now in the fourth decade echoes of his complex mind, with the mean of the camera, has found its way and special flow to be able to bridge between his current photography with daring, bright acting to gain acceptance. Essentially, he has found a way to knot his inner emotions to his outer actions and confirm unity and singularity of his perspective of outer world and adapt to a surreal soul. Second tournament of Six Week of Iranian Art that is launching in less than thirty days in Toronto, will host Hamid Jebeli's Pictures. His first time ever, solo presence as a photographer will be an excuse that after a period of silence he bursts interesting statements about arts of photography and perspectives, that we will read parts of it here:

When did art take a serious role in your life?

- Everything started from Kanoon, I mean "Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults" since opportunities for young children was rare, kanoon started to manifest arts for kids through academic classes and turned into a centre where kids could learn about arts. Since early years many people like Ghobad Shiva, Parviz Kalantari, Esfandiyar Monfaredzade and... served as teachers. I entered kanoon in year 50, when I was 12 or 13 and I started with theater classes. In addition cinema classes and photography classes compelled us spend almost all our afternoons at kanoon. My school was far from from kanoon's office and classes usually started half hour after schools ended. I had to run in order for me not to miss classes.

- Iraj Tahmasb, Ali talebi, hasandust, Aligholi, Homayun Asaadian, Behruz Afkhami, Fateme Motamed aria and many other friends were from "Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults". We had to leave kanoon when our age hit 18 years old and fortunately with respect to all contracts that were signed we were sent to other cities to teach and launch academic classes for kanoon. I was sent to Firuzkuh as a photography teacher.

What year did you start professional photography?

- First time I ever left home to take a picture with my camera was in 1352 and I walked a couple of blocks to be able to take a picture. A photograph by me was published for the first time in "Kair newspaper", news for national retired community. Since that date until today aside from creative photography I photographed many theaters, movies and TV series.

How did you find out about six weeks of



Iranian Art?

- Some while ago, I had seen events and pieces incorporated into the festival from last tournament and since I was familiar with the festival and with respect to the invitation sent to me, I decided to participate in this round. I personally do not like to have a photo gallery in Iran because everyone knows I am an actor and people would assume that I am taking advantage of my fame in that regards. In the last thirty years I have only shown my pictures to my close friends but I want my photos to be seen, and I want to hear comments, find weaknesses and strength, specifically comments from people from other cultures are very attractive to me. Might it be that the opportunity of showing my work outside my country would diminish pre-judgment thinking and paves the way for me to have a photo gallery of my art work.

Looking at your pictures, a period of discovery and excitement exists that I like a lot, and then you enter a realm of cinema photography and realism in the next period. Theatre photography begins at the same during this era and then you have another movement. Might it be that fourth period of your photos, although I think is the best period of your artwork, is a return to a realm of discovery and surrealism. What do you think?

- During work with agrandisman, most artworks came into existence without interference of camera. Period of realism started in 1963 with my reference to Mahmud Kalery in "shahre mushha". During this time Mahmud Kalery and Aziz Saati assisted me so much and because of cinema work we spent a decade together. When I found a break in between filming, even short breaks, I would take my cameras with company of Kalari and go for nature walks and hiking. What we learnt in kanoon was how to take a picture in good condition but kalari showed me presence of emotion in a picture. Since then I photograph Iranian movies. In the movie "Delshodegan", Aziz Saati didn't leave the country with us and told Mr.Hatami that I accept if Mr. Jebeli takes photos, regardless, I took pictures from the out of the country parts.

- I started professional theater photography in 1366-1365 with works of "Atila Pesiani and theatre play group" and I continued professional photography until last recent years but unfortunately there were some changes in theatre photography which I need to fully explain.

- I wished to do my new set of work with ne-



gativ but it was not possible. To experience these types of realms with analogue photography you will need a lot of time. Specially, with colored negativ the process is so long that makes movement in such way impossible while analogue camera gives you result of your calculations in time and you can work much faster on such projects.

Essentially, he has found a way to knot his inner emotions to his outer actions and confirm unity and singularity of his perspective of outer world and adapt to a surreal soul

- In any case, the connection that you see between the first and fourth period is that same fantasy look or a different perspective of looking at reality of image that has always been inherent in me. For me work with agrandisman, deformation and work with lighting is a rediscovery of a one-dimension image. We really don't know if others really see what we see and if a one dimension image is the same for everyone. Does everyone experience color the same? If we only look broader we must ask do insects perceive images like we us humans do. Which image is more accurate? I think it is this very rediscovery that makes art surprising.

You quit photography twice, what happened?

- First break in photography occurred in 1380. I travelled to Paris with a good friend of mine Khosro Peighamai, we went to pikto lab and we looked at photo archives there. Seeing such strong and attractive works of prominent international photographers and also visiting photography exhibition during that period in Paris kept my mind extremely occupied. I quit photography for two years. I thought there are people in the world that finished art of photography and there is no room for new works and statements can we add?

- Second time was five years ago, well I went on a trip with a group of young photographers to photograph in a city in Iran. All of them had digital cameras and I photogra-



phed with negativ. I noticed by the time I get 30 frames picture which needed change of lens and lightning each of them had taken 400 frames of pictures. Then we looked at works and I realized that eventually, it is possible to choose better pictures in 400 frames than in 30 frames. I noted that I cannot connect with the digital world and I was biased towards analogue photography although some friends still are biased towards it. One day I put all photography instruments in the closet and this is how a period of withdrawal happened.

What happened that you decided to shift from analogue photography to digital?

- Let us not forget that change is always hard, especially if you already know a profession and you have to learn it all over again. In the analogue era the process of photography itself was important. Someone who could take a picture and publish had a prior place. After the digital period any one can take picture, even with his mobile. Today taking pictures in not important but what picture to take is important. If we look at history, we see that anyone who had a camera and knew how to take a decent picture had some important place in imperial court and the second person who knew how to take a decent picture was the king itself. The reality is that we cannot stop science, today camera is an instrument. In analogue era working with instruments was very important but in digital era instrument has lost its worth and existing look in final production has gained importance.

Let's get back to Six Weeks Of Iranian Art festival, in this festival your pictures are participating in the pioneers of art section and it is placed along with work of young Iranians present in other sections. How do you feel?

- I am very happy that this is happening, let's not forget that photography and in general art changes in consistent with time. When we get distant from younger crowd we are misplaced in our time and period. I go to sculpture making classes and my mentor can be as young as my son and I enjoy learning new techniques from him. Above techniques human emotion is flexible and changes. The simplest example is that human feelings changes towards outside world in different cycles. Therefore may work of young participating artist in the festival interest me and my work might be attractive to some of them.

This year you are present in festival jurors of sex weeks of Iranian art along with

Canadian jurors. What do you think is different from judgments you've made so far?

- The beauty of work is that a group of different people with variant thoughts and artistic multi-cultural base come together and I am interested in learning different tastes. Presences of jurors that come from different countries with different perspectives show that the festival approaches a broader conclusion and wants to acquire a deeper look.

What is the importance of such festivals that occur outside of Iran and specifically work on contemporary art and modern Iran?

- I think the opportunity that manifests Iranian contemporary art perspectives and artists is a good event and we can portray a more real image of Iran to the world. During my international trips I have seen that cinema; music and Iranian art work has surprised people and brought us closer together, essentially the vague image diminishes. Our classic work is known to some extend and exhibiting classic works such as "Kamalolmolk" in the west does not serve a special purpose, because, they performed such tasks better some hundred years ago. - Since contemporary art harmonizes with today's atmosphere and perspectives and has a concept broader than the discourse of beauty, it can be very positive. Demonstrating to the world that we have post-modern painters or avangarde cinema could definitely change our place in North American's perspective.

- Aside from that, our art graduates are so many but what happens to them? Where do they exhibit their art? These types of exhibition help artists to flourish and talents to be discovered.

With respect to the question placed earlier that what happens to graduates from art universities, in your opinion what is the role of critique in introducing artist and artistic progression

- Reality is that in today's world art critic's role has such high importance that it can change flow of movement of an artist. whether it is and individual work like painting or product of a group work like cinema this role becomes prior when artist accepts that critic has a broader perspective in respect to art. Then artist with inconsistent to his inner feelings and opinions transferred to him through critic can discover a new current.

Unfortunately, here aside from a few of good critics, many other groups step in just for the sake of being part of an artistic environment and to be able to meet close up with the artist, although they do not have sufficient knowledge of artistic discourse.

- Our second problem is that we are too involved with our own personal matters. Our way of contact with each other is limited to our eastern manner and bounded by our extremism towards respecting each other. A critique is obligated to be a guidance and analyze, but personal friendship serves as a wall for critics such that they are cannot transfer their true opinion despite the fact that a critique should be able to do so without hesitation.

Editorial

One more time



Pooyan Tabatabaei

It is my great pleasure to curate 'Six Weeks of Iranian Art' exhibits in Toronto for a second time this fall, from September 21st to November 2nd,

Six Weeks of Iranian Art sets out to provide an appropriate channel for communication with the 350,000 strong and growing Canadian-Iranians in this country through art. Our aim is to preserve and promulgate the Iranian cultural and intellectual heritage in the Canadian-Iranian as well as the established Canadian community. This will aid and represent Iranian artists in this multicultural society and help their voices be heard by a larger audience.

More importantly this is the first step towards familiarizing the community with the modernism movement of the Canadian-Iranian artists that may have gone unnoticed by the mainstream society due to lack of exposure. This show is a unique step towards highlighting Canada as a country whose support of multiculturalism and understanding of art is well established through the support of its community as well as its government.

The inaugural festival "Six Weeks of Iranian Art" was held in 2007 at the Headbones Gallery in Toronto from July 14, 2007 to August 28. The event featured a unique rich and diverse blend of visual art exhibits, from photography to painting and sculpture, live music and play reading. It showcased aspects of Iranian culture and heritage through the works of nationally and internationally recognized Iranian and Iranian-origin artists. The 2007 festival was received with great enthusiasm by Toronto and the art community. It was not only an overwhelming achievement in the eyes of the critics, but it also received recognition in a large number of art related, Canadian and Iranian based magazines and newspapers. It was well received by public as well, both during the event at the gallery and through the exhibition's official web site.

The 2012 festival features a wider selection of artists, an art competition and award ceremony and collaboration with the Iran-based 'Image of the Year'. It promises to attract more local support from within the Canadian-Iranian community and the art community in Toronto.



Ali Kamran

A window for imagination



Calendar of the festival

Visual Exhibition:

- 1. Backdrop to the Future**
21st of September to 3rd of October 12
- 2. Burst in the fog**
21st of September to 17th of October
- 3. Mystic train**
5th of October to 17th of October 12
- 4. Flying Colors**
19th of October to 31st of October 12

Workshops:

- 1. Painting Workshop**
2nd of October - For 3 days
- 2. Photography Workshop**
9th of October - For 3 days
- 3. Theater Workshop**
15th of October - For 3 days
- 4. Creative Writing Workshop**
21st of October - for 3 days
- 5. Scriptwriting workshop**
29th of October - for 4 days

Opinion

Cultural Reunion



Julie Oakes

Six Weeks of Iranian Art spans three generations and during the lives of these generations, Iran went through traumatic and unsettling times. When reviewing Iran (originally called Persia) from an art historical context, that which immediately comes to mind is the traditional miniatures that explored a multitude of subjects ranging from religious to quotidian. It was an art identifiable with a culture. This series of exhibitions rises above political references and concerns to focus on the equalization of cultures.

Michele Foucault saw in the Iranian condition hope for a new and revitalised way of living. He spoke of the Iranians in the following terms; there was "literally a light that lit up all of them, that bathed all of them at the same time." I see this light as well – an enthusiasm that ranges from modernism to the post-modern conversation currently engaged in the light of the cultural diversity that makes up the Canadian demographic. Art is a language available that allows for incandescence and this series of exhibitions celebrates the visual articulation between cultures.

شش هفته با هنر ایرانی

SIX WEEKS OF Iranian art 2012



Cover STORY

Six Weeks Of Iranian Art September 21 - October 02

KEYWORD The second Six Weeks of Iranian Art festival is returning Toronto with an even bigger dream of aiding and representing Canadian-Iranian artists in this multicultural landscape – showcasing more headlining stars and empowering emerging artists at Toronto's historic Downtown. This fall Toronto's Queen Gallery will be home to over 150 artists, performers and exhibitors.



As a visible growing minority in Canada with more than 350,000 Iranian-Canadians in the country the need for cultural preservation and progression has become a clear ambition in the Iranian community. Six Weeks of Iranian Art is an invitation from the ever-growing Iranian community in Toronto to all Canadians to come and be inspired, intrigued, and amazed by an innovating and thought provoking

festival. From visual arts to captivating theatre, music and film, this 6 week festival aims to cast the spotlight on Iranian artists while embracing our rich multicultural community. From September 21, 2012 to November 2, 2012 internationally renowned, award winning artists, among emerging young talents will take part in a number of exhibits and performances. With overwhelming

success in 2007, this non-for-profit festival is sure to become the next cultural sensation of our city. Join us for the 2012 "Six Weeks of Iranian Art" festival at the Queens Gallery located at 382 Queen Street East in Toronto starting September 21st for a celebration of Iranian art that is sure to become the next cultural sensation of Toronto.